

سرمقاله

حاجی آقا آکتور سینما
یا نفوذ امر فرهنگی

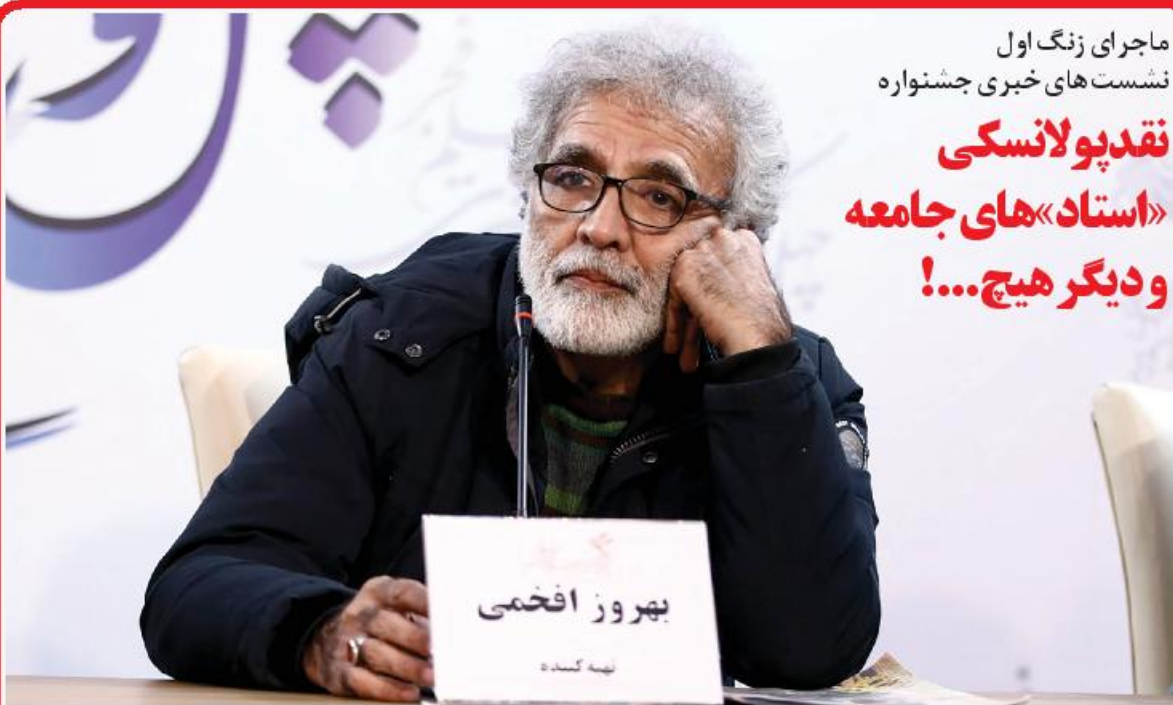
حاجی آقا

از همان آغاز سینما در ایران همیشه اختلاف بزرگی بین سینما و سیاست بوده و در جلوهایی که سینما نفوذ فرهنگی داشته، بر اراده سلیسی جامعه چیره شده و توانسته برای پیشرفت فرهنگی اقدامات لازم و ضروری را انجام دهد. شاید بهترین نمونه برای بیان چنین جستاری همانا دومین ساخته لوئیس اوگانیانس به نام «حاجی آقا، آکتور سینما» باشد که پس از «آبی و رابی» در سال ۱۳۱۳ ساخته و اکران شد. در این فیلم امر فرهنگی برای متقاعدسازی جامعه مسلمان است که از بتیان با تناظر و سینما مخالفت می کند و این مخالفت در نقش آفرینی زنان مسلمان دوچندان می شود؛ حالا اوگانیانس به عنوان یک سینماگر پیشرو و متکی به فرهنگ بر آن است که بگوید سینما هنر بسیار زیبایی است که وقیعت زندگی را برای درس گرفتن دیگران نمایان می سازد.

چنانچه در فیلم «حاجی آقا، آکتور سینما» پس از دزدیده شدن ساعت حاجی آقا، راه به راه او را در پی یافتن دزدان تا ورود به سینما و دیدن خودش بر پرده نمایان می سازد و این گونه، حاجی آقا از دیدن خودش و کلکی که داماد و دخترش برای جلب رضایت بازی در سینما ایجاد کرده اند رضامندانه با چنین چیزی موافقت می کند. این موافقت تلویحی، نشان از اقتدار امر فرهنگی می کند، که در یک قالب داستانی و به استناد زبان سینما می تواند دیگران را در القاگری مفاهیم کاربردی و روبه رشد متقاعد سازد.

به هر روی در گستره ی زمان همواره سینما پناهنر سیاست های حاکم با فراز و نشیب های بسیار مواجه شده و این نبرد همیشگی، بین سیاست و فرهنگ وجود داشته و گلهی سینما دستخوش افعال خنثی شده و از کارکرد فرهنگی تهی شده و فیلمفارسی بخش عمده ای از این شکست فرهنگی را در بر داشته است و از سوی دیگر موج نو سینمای ایران از دهه چهل بر آن بوده که سینما را با قابلیت های فرهنگی همراه سازد و به گونه ای منتقد سیاست حاکم بر جامعه باشد و این تقابل، کار را برای سینما سخت تر کرده و بخشی از فیلم های تندتر با توقیف مواجه شده و از گردونه سینما داشتن مخاطب دور مانده اند. پس از انقلاب نیز در دهه شصت خود دولت با موافقت هایی به دنبال ایجاد یک سینمای فرهنگی برآمده که در آن بنیاد فارابی نقش لسانی تر را بازی می کرده و البته کانون پرورش فکری، صدا و سیما و حوزه ی هنری نیز رقیبان چنین حرکت فرهنگی ای بوده اند. در عین حال بخش خصوصی نیز با یافتن اقتدار اقتصادی بر آن بوده که به شکل مستقل در فرآیند فرهنگی سینما نقش آفرینی کند و به شکل مستقیم تری به دنبال بیان امور منتقدانه تری اقدام کند. پناهنر این، سینما با ارجاع به فرهنگ می تواند از سیاست زدگی پرهیز کند و به شکل مستقل، برای ایجاد یک فرهنگ کارآمد مردمی، کار ساز باشد.

ماجرای زنگ اول نشست های خبری جشنواره نقدپولانسکی «استاد» های جامعه و دیگر هیچ...!



داشتیم جایی که نمیدانی ضرر و منفعت در سکوت است یا در فریاد زدن. بودجه ای کمتر از ۳ و نیم میلیارد در ادامه افخمی یک بار دیگر با مخاطب خبر نگاران شد و درباره هزینه های ساخت فیلم توضیح داد. مخارج فیلم کمتر از ۳ و نیم میلیارد است اما همه گر و شریک شدند و دستمزد بسیار کمی گرفتند و درصد ملکیت فیلم را بر داخت کردند که ساخت فیلم ممکن شد.

۳ استخره افخمی برای همکاری!

افخمی در ادامه گفت: دوره ساخت فیلم های آپارتمانی تمام شده است و در ابتدای خواستم به تولید این کار ببرم و وقتی فهمیدم درباره جریان می تو است، خواستم که در بر وژه حضور نداشته باشم چون گفتم سوژه کهنه شده است اما استخره کردم خیلی خوب آمد و تصمیم گرفتیم این موضوع را به کمدی بدل کنیم تا صفحه ۷۰ خواندم دیدم فیلم نامه خوبی است و کمدی هم نمی شود. دوباره استخره کردم و خیلی خوب آمد و گفتم نمی دانم چرا این کار را می کنم اما کردم. بعدا یکی از دوستانمان که در ارگانی فیلمنامه را رد کرده بود گفت که خوب نیست و گفتم میخواهی دوباره استخره کنم و برای بار سوم خوب آمد. بر همین اساس بدون کمک هیچ ارگان دولتی و نیمه دولتی و خصوصی کار را تمام کردیم.

انتقاد افخمی از پولانسکی

افخمی درباره اینکه آیا فیلم اقتباس شتابزده از «مرگ دوشیزه» است تصریح کرد: خیر این فیلم بر تبط با آن نیست چرا که مرگ دوشیزه از بدترین فیلم های پولانسکی است، او هر وقت می رود سمت سیاست، بی ربط حرف می زند. اواخر عمر هیچکاک از او می پرسند به فیلمسازان جوان چه توصیه ای می کنید، می گوید زنان را به اندازه کافی شکنجه نمی کنند و باید زنان را شکنجه کرد و کشت. زنی که شکنجه نمی شود فیلم را بشکست مواجه می کند. در دوشیزه و مرگ زنی شکنجه می شود. بر اساس فرمول هیچکاک این سوالی که مطرح شد در فیلم ما برعکس است.

حسینی به این نقد که فیلم بر خوردی از روی خشم دلالت و راه حلی ارائه نمی داد. اینطور پاسخ داد: وظیفه فیلمساز ارائه راهکار نیست بلکه بازنمایی درست اتفاقات است تا به کسانی که راهکار می دهند کمک کند.

تقلیل موضوع بارهاکار؟

این کارگردان فیلم اولی همچنین در پاسخ به این که آیا ابهام تجاوز تا انتهای فیلم تقلیل موضوع است؟ بیان کرد: تقلیل به چه چیز؟ نه این راهکار ادامه دادن موضوع است که در فیلم ما با تحقیر شخصیت اصلی داستان حرف اصلی خودش را می زند این که در انتها مطمئن می شوید تقلیل نیست.

آثارش شخصیت دوست داشتنی

در بخش دیگری از نشست سجاد بابایی، یکی از بازیگران فیلم «استاد» درباره اینکه دغدغه اش برای حضور در این فیلم چه بوده؟ گفت: این یک سوال کلی است؛ اما بیشترین چیزی که در این کار اکثر مشهود است عصی بودن همراه با تصمیمات درست و نادرست است. شخصیت من در فیلم از قاعده ای رفتار معمول خروج می کند و درگیر تصمیم لحظه ای می شود. نمی توانم بگویم کارش درست است یا غلط اما آثارش شخصیت او را دوست داشتیم. دوست داشتیم که این نقش را بازی کنیم و بتوانیم اثری بگذاریم شاید بخشی از این فیلم بتواند آگاهی بخشی باشد. این فیلم مجرای ارتباطی محدودی ندارد که نقد اجتماعی کند.

حسینی نژاد، دیگر بازیگر فیلم «استاد» نیز در بخش پایانی صحبت های بازیگران با خبرنگاران گفت: من فیلم را برای دومین بار دیدم و به عنوان یک زن و مخاطب بیرونی آینده نگر نیستیم اما به نظر من ۸۰ درصد اثر گذار است.

نخستین نشست رسانه ای چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم فجر عصر امروز ۱۲ بهمن ماه با حضور عوامل فیلم سینمایی «استاد» به کارگردانی عماد حسینی و تهیه کنندگی بهروز افخمی به اتفاق سجاد بابایی و هدیه حسینی نژاد، بازیگران این اثر و با اجرای محمدرضا مقدسیان، پس از نمایش فیلم و در سالن نشست پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

افخمی در ابتدای این نشست با تاکید بر اینکه از نیمه ساخت این فیلم جانشین مجید رجبی معمار شده تا به ساخت این اثر که فیلم اولی محسوب می شود، اظهار کرد: نخستین بار است که این فیلم را همراه مخاطبان دیدم و این که کسی از سالن بیرون نرفته نشانه خوبی است. انگار بیرون رفتن از سالن در نیمه فیلم مد است که خوشحالم در این فیلم، چنین اتفاقی نیفتاد.

مواجهه قدرت با زنان

در ادامه از عماد حسینی کارگردان این اثر درباره هدفش از ساخت فیلم «استاد» پرسیده شد و او پاسخ داد: مفهوم باید به برداشت مخاطب واگذار شود و معتقد نیستم که فیلمساز باید هدف فیلم را بگوید چرا که فیلمش این را می گوید. اما هدف فیلم مواجهه قدرت با زنان است که می تواند هر کسی از هر جایگاهی با زنان باشد.

حسینی در پاسخ به این پرسش که مسئله تجاوز در جوامع غربی رواج دارد و در سینمای جهان کم است اما چرا در سینمای ایران فراوانی دارد، توضیح داد: فکر نمی کنم فیلم های داخلی زیادی با این موضوع ساخته شده باشد، ضمن اینکه در آن طرفی ها هم فیلم های زیادی درباره این موضوع ساخته می شود.

شخصیت های خاکستری

کارگردان فیلم «استاد» درباره شخصیت های این اثر بیان کرد: شخصیت های واقعی فیلم خاکستری اند، یعنی نه سیاهند، نه سفید. برای همین شخصیت های فیلم ما بازنمایی درست اتفاقات را رقم زده اند. قبول ندارم فیلم موضع گیری ندارد چرا که اینطور نیست.

رونمایی از چند استاد در جامعه!

کارگردان فیلم «استاد» در ادامه این نشست: وقتی نگارش فیلمنامه شروع می شود ریشه هایی در جامعه دارد؛ همانطور که در جامعه ما در سال گذشته چندین مورد از این استادها رنمایی شد خیلی به من گفتند این کار را انجام نده. از زملی که پروانه ساخت گرفته شد با موضوع تهیه «استاد» مخالفت بود و تا پایان ساخت فیلم ادامه داشت. برخی هم می گفتند این شروع خوبی برای کار تو است، چیزی که من را وادار به ساخت فیلم «استاد» کرد، این موضوع بود که بزرگان فیلمسازی دنیا همواره با بایکوت مواجهند. بسیار شرمنده ام که کسانی که با این اظهارات مواجه می شوند در حراج هنری سال بعد قیمت های بالایی برای فروش آثارشان می گذارند.

فیلمی که اقتباسی نبود

حسینی درباره اینکه آیا فیلم به دنبال نقد جریان می تو بوده یا نه بیان کرد: من در تمام مراحل تولید فیلم تاکید کردم فیلم نامه اقتباسی نیست و برداشت آزادی از وقایع است. ماسعی کردیم از جوانب مختلف به موضوع نگاه کنیم.

او همچنین درباره شباهت پیرنگ فیلمش به فیلم «فر و شونده» اصغر فرهادی گفت: شباهتی با فر و شونده نیست و این که تعرض سوژه اصلی فیلم است، دلیل بر شباهت آن نیست.

کارگردان فیلم «استاد» درباره موضوع اثرش اظهار کرد: فکر می کنم کمتر خانمی هست که با این موضوع روبه رو نشده باشد، در هر حیطة و شغلی و من هم موارد مشابهی را شنیده ام. به همین دلیل این کار را دوست